

روایت موسویان از گزینه انتخاباتی هاشمی

در آن جلسه آیت الله هاشمی به ما گفت «حکومت یک جناح بر کشور، فاجعه بار خواهد بود. لذا باید معتدلین هر دو جناح اصلی باید متحد شوند و توسعه اقتصادی و سیاسی را گسترش دهند تا پایه های جمهوری اسلامی تحکیم یابد». در همان جلسه، ما تصمیم گرفتیم یک حزب جدید یعنی «حزب اعتدال و توسعه» را پایه گذاری کنیم. بهترین گزینه برای رهبری این حزب، بر اساس پیشنهاد آیت الله رفسنجانی، دکتر حسن روحانی بود. در سال ۱۳۷۸ نطفه این حزب و سپس کمیته مرکزی آن به رهبری روحانی تشکیل شد.

تاریخ: ۱۵ تیر ۱۳۹۳ - ۱۳:۴۵

کدخبر: ۲۷۳۴۱۴

انتخاب: دکتر سید حسین موسویان سفیر پیشین ایران در آلمان و معاون پیشین شورای امنیت ملی طی یادداشتی ضمن بررسی رویدادها و پدیده هایی که منجر به «ظهور اعتدال گرایی در ایران» شده، به خاطرات مهمی از اتفاقات پیش از انتخابات سال 88 اشاره کرده است.

موسویان که هم اینک محقق کنونی دانشگاه پرینستون آمریکا است، در این یادداشت به ماجرای ملاقات خود با آیت الله هاشمی اشاره کرده است. در این جلسه، نخستین صحبت ها و تلاش ها برای تشکیل حزبی به ریاست دکتر روحانی اشاره شده است.

جدیدترین کتاب سید حسین موسویان «خاطرات: بحران هسته ای ایران» است که توسط بنیاد صلح جهانی کارنگی منتشر شده است.

متن کامل این یادداشت که در المانیور منتشر شده، در پی می آید:

از زمان انقلاب ۱۳۵۷ و بخصوص در ۱۶ سال اخیر، "جناح گرایی" یکی از خصوصیات فضای سیاسی داخلی ایران بوده است. این پدیده بعد از پیروزی جناح چپ انقلاب تحت عنوان جدید «اصلاح طلبان» در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ شدت گرفت. در طول هشت سال ریاست جمهوری سید محمد خاتمی از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، جناح راست انقلاب تحت عنوان جدید «اصولگرایان» یا در اصطلاح غرب «محافظه کاران»، به شدت منزوی شدند. سید محمد خاتمی با اینکه با این جناح گرایی موافق نبود، نمی توانست جلوی موج تغییرات توسط دولت متشکل از اصلاح طلبان را بگیرد. همین مسئله باعث انزوا و دلخوری اصولگرایان از تجربه حکومت اصلاح طلبان شد.

پیروزی غافلگیر کننده نامزد اصولگرا، محمود احمدی نژاد، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ موج را علیه اصلاح طلبان برگرداند. این بار پاکسازی اصلاح طلبان از دولت به سرعت و شدت بیشتری صورت گرفت، شروع دوره جدیدی از سلطه یک جناح بر دولت برای هشت سال آینده.

ماجرای ملاقات با آیت الله هاشمی

در هر دو دوره تک حاکمیت تک جناحی، در بین هر دو جناح اصلاح طلبان و اصولگرایان افراد معتدل هم حضور داشتند. آیت الله هاشمی در اوایل ریاست جمهوری خاتمی نسبت به روند رو به رشد نفاق هشدار داده بود. او به عنوان یکی از پایه گذاران جمهوری اسلامی هشدار داد که این گونه نزاع های سیاسی داخلی نهایتاً کلیت نظام را به خطر می اندازد. رفسنجانی در عوض از سیاستمداران همفکر در هر دو جناح خواست که جنبش سیاسی جدیدی را تحت عنوان اعتدال گرایی یا میانه روی در ایران تشکیل دهند. متعاقباً محمود واعظی معاون وقت وزیر خارجه، محمد باقر نوبخت نماینده وقت مجلس، علی جنبی معاون وقت وزیر فرهنگ و من با آیت الله رفسنجانی ملاقات کردیم تا کم و کیف تحقق این ابتکار را گفتگو کنیم.

در آن جلسه آیت الله هاشمی به ما گفت «حکومت یک جناح بر کشور، فاجعه بار خواهد بود. لذا باید معتدلین هر دو جناح اصلی باید متحد شوند و توسعه اقتصادی و سیاسی را گسترش دهند تا پایه های جمهوری اسلامی تحکیم یابد». در همان جلسه، ما تصمیم گرفتیم یک حزب جدید یعنی «حزب اعتدال و توسعه» را پایه گذاری کنیم. بهترین گزینه برای رهبری این حزب، بر اساس پیشنهاد آیت الله رفسنجانی، دکتر حسن روحانی بود. در سال ۱۳۷۸ نطفه این حزب و سپس کمیته مرکزی آن به رهبری روحانی تشکیل شد.

در حالیکه قدرت سیاسی در کشور بین اصلاح طلبان و محافظه کاران دچار شکاف شده بود، جمعی از اعتدالگرایان، این حزب را با هدف اعتدال سیاسی و توسعه اقتصادی بنیان گذاری کردیم. در دوران ریاست جمهوری خاتمی این جریان سیاسی جدید هنوز در دوران نونهالی بود و در دوران احمدی نژاد با مشکلات زیادی روبرو و این مکتب فکری و کمیته مرکزی آن منزوی تر شدند. اما تحت رهبری دکتر روحانی، این حزب استوار و ثابت قدم ماند.

4 گزینه ی هاشمی برای ریاست جمهوری 88 و ماجرای پیشنهاد خاتمی و کروبی به ناطق

آیت الله رفسنجانی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ چهار گزینه میانه رو پیشنهاد داد: علی اکبر ناطق نوری (رئیس دفتر بازرسی دفتر رهبر معظم انقلاب و یکی از چهره های اصیل اصولگرایان که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ از سید محمد خاتمی شکست خورد)، حسن روحانی، علی اکبر ولایتی (مشاور سیاست خارجی رهبر معظم انقلاب) و علی لاریجانی (رئیس مجلس). چهره های مهم جریان اصلاح طلب یعنی مهدی کروبی (رئیس سابق مجلس) و سید محمد خاتمی تصمیم گرفتند از علی اکبر ناطق نوری چهره اصیل و معتدل اصولگرایان، حمایت کنند. آنها با ناطق نوری در منزل شخصی اش ملاقات کردند و پیشنهاد دادند در صورتیکه کاندیدا شود، آنها از کاندیداتوری صرفنظر و از او حمایت خواهند کرد. اما تلاش برای انتقال فضای سیاسی به اعتدال در سال ۱۳۸۸ شکست خورد چرا که ناطق نوری نسبت به اقبال یک نامزد معتدل برای پیروزی در انتخابات بدبین بود.

در جریان نا آرامی های بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸، جناح گرایی به شدت افزایش یافت و به فضای عمومی جامعه سرایت کرد. تا سال ۱۳۹۲ با گسترش شکاف میان جناح های مختلف اصولگرایان در قدرت و به حاشیه راندن کامل جنبش اصلاحات، مشکلات بیشتر شد.

در بحبوحه یک فضای سیاسی بحرانی، انتخابات ۱۳۹۲ بهترین فرصت را برای اعتدالگرایان میانه رو فراهم کرد که قدرت را در دولت به دست بگیرند. در نتیجه عجیب نبود که رفسنجانی، خاتمی، ناطق نوری و حتی سید حسن خمینی (نوه امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی) از نامزد معتدل حمایت کردند تا نظام سیاسی را از تجزیه، نفاق و جناح بازی بیشتر نجات دهند. حسن روحانی تنها نامزد میانه رو، کسی بود که می توانست این کار را انجام دهد. تنها نامزد اصلاح طلب، محمدرضا عارف، برای کمک به روحانی و جلوگیری از شکستن رای در انتخابات، با شجاعت و درایت کناره گیری کرد. این قمار به ثمر نشست، روحانی بیش از ۵۰٪ آرا را به دست آورد و رفتن به دور دوم انتخابات منتفی شد، در حالی که چهار نامزد محافظه کار مجموعاً حدود ۴۰٪ آرا را به دست آوردند.

حرکت به سوی اعتدال

با پیروزی روحانی، سیاست ایران به سمت اعتدال گرای سبک سوق خواهد نمود تا به ۱۶ سال جناح گرایی مفرط در دولت خاتمه دهد. روحانی، یک اعتدال گرای میانه رو، معتقد است دولت نمی تواند تنها با یک جناح اداره شود، نه اصلاح طلب و نه محافظه کار. بلکه باید از بهترین و لایق ترین مدیران معتدل هر دو جناح نهایت استفاده را کرد. روحانی پس از پیروزی گفت «این پیروزی، پیروزی خرد، پیروزی اعتدال، پیروزی رشد و آگاهی و پیروزی تعهد و تدین بر افراط و بد اخلاقی است.» او با اشاره به شکاف سیاسی در کشور افزود «من دست همه اعتدالگرایان، اصلاح طلبان و اصولگرایان را به گرمی می فشارم.»

پیروزی روحانی و تغییر فضای سیاسی به سمت میانه، تأثیرات اقتصادی اجتماعی و سیاسی گسترده ای برای ایران خواهد داشت. در سیاست های داخلی و خارجی کشور از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ تلاش خواهد کرد که فضا به سوی افراط نرود و در تمام عرصه ها سیاست های اعتدال گرایانه حاکم باشد.

در عرصه داخلی، سیاست های اعتدال گرایانه با بکارگیری کادرهای با تجربه و حرفه ای تر همراه خواهد شد تا بحران اقتصادی و اجتماعی کنونی را کنترل کند. تأکید بر همبستگی ملی و توسعه، روی تعامل و آزادی های اجتماعی هم تأثیری مثبت خواهد گذاشت. این مسئله توسط رییس جمهور منتخب حسن روحانی هم مطرح شد که گفته بود «حقوق و آزادی مردم نادیده گرفته شده... محدود کردن [حق مردم] برای نقد تنها به خفقان و ناکارآمدی می انجامد.» با پایان دوره ای که شاهد حرمت شکنی، اتهامات بی اساس، سوءظن و تنزل عمومی اخلاق بود، بنیان های اخلاقی تقویت خواهد شد.

در سیاست خارجی، تمرکز دولت جدید بر احیا و بازسازی رابطه با دنیای خارج بر اساس احترام، منافع مشترک و برابری خواهد بود. با اینکه سیاست آشتی جویانه خواهد بود اما حقوق، جایگاه و منافع ملی قربانی نخواهد شد. وزارت خارجه تلاش خواهد کرد دیپلمات های با سابقه و کارشناسان سیاست خارجی را که در گذشته به دلایل سیاسی به حاشیه رانده شده بودند، دوباره سر کار بیاورد. این تغییرات باعث تخصصی شدن لحن و طبیعت دیپلماسی ایرانی خواهد شد، و راه را برای روابط بهتر با جامعه جهانی باز خواهد کرد.

دیگر جهان شعارهای تحریک آمیزی چون نفی هولوکاست را از رییس جمهور جدید ایران نخواهد شنید. با

حمایت و در کنار مقام معظم رهبری، استراتژی و گفتمان روحانی بر اساس «همکاری و تعامل سازنده» برای گسترش صلح، امنیت و ثبات در خاورمیانه و جهان خواهد بود. اگر جامعه جهانی خصوصا ایالات متحده آمریکا، تغییرات سیاسی کنونی در ایران را درست متوجه شود، باید دست به یک سری اقدامات مثبت عملی بزند. چنین تغییری در سیاستگذاری، می تواند تقابل با ایران را به سرعت به همکاری تبدیل کند.